

... ادبیات

در چهار گوشه دنیا

● محمد حسن سجودی

خانه خرابی آمریکا و کتاب‌های در انبار مانده

اگر آمریکا بر اثر حمله ناگهانی به دو مرکز عمده تجاری این خانه خراب شد، اما برای بعضی از نویسندگان و نیز کشورها بد نشد. از جمله نائتران انگلیسی. این نائتران هر چه کتاب در باره اسامه بن لادن، اسلام، تروریسم، خاورمیانه و افغانستان داشته‌اند که حتی چند سالی در انبارها مانده بود، به سرعت برق به فروش رسانده‌اند.

بالاترین فروش را در انگلیس، کتاب «جهد - جنگ مخفی در افغانستان» اثر تام کریو داشته است.

یکی از کتابفروشی‌های خیابان آکسفورد گفته است: «فروش ما در حالی حاضر همین کتابهاست. عناوینی که بالاترین رقم فروش را دارند.»

معاون بخش فروش کتابفروشی فویلر در خیابان چرینگ کراس لندن می‌گوید: «ما هر چیزی را که بتوانیم درباره طالبان، افغانستان و تروریسم پیدا کنیم، سفارش می‌دهیم.»

«بعضی خریداران در جستجوی اطلاعات آگاهی‌های روز هستند، در حالی که دیگران بیشتر به کتابهای احساسی در این باره علاقمند هستند، اما فروش‌های ما درباره موضوع بالایی رود و هیچ نشانه‌ای از پایین آمدن آن نمی‌بینیم.»

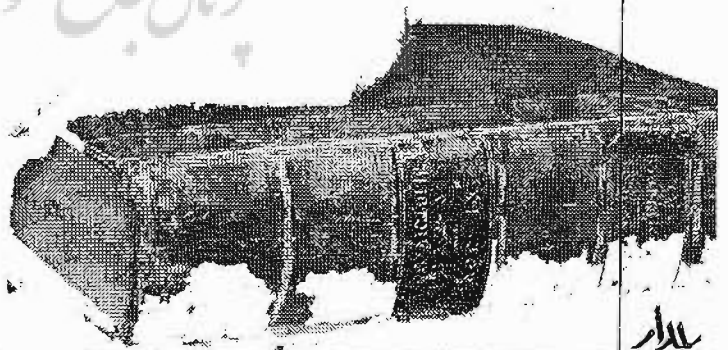
اثر جان کولی که در باره شرق خاورمیانه و اسامه بن لادن است و «دور کردن گریه‌نا» اثر مایکل گریفین. فروشنده فویلر تمامی نسخه‌های این کتاب را فروخته و دوباره سفارش داده است.

یک کتابفروشی در میدان تریافلگار، تمامی نسخه‌های دو کتاب در باره طالبان و بن لادن را پس از حمله یازده سپتامبر پیکروزه به فروش رسانده است. این کتابها به مدت چهار سال در قفسه‌های خاک می‌خورده است.

بار دیگر اشاره می‌شود که کتاب «جهد و مؤسزاداموس» پیشگویی‌های کاملی به انضمام برخورد تمدن‌ها، اثر ساموئل هنتینگتون نایاب شده است. ضمن آن که کتابهایی که به هر صورت در باره افغانستان بوده نایاب شده است.

فروش قرآن و عناوینی که به اعتقاد اسلامی مربوط می‌شود، رو به افزایش است.

شعبه دبیو اچ اسمیت که از کتابفروشی‌های بزرگ لندن، در حالی استریت است، از این قاعده مستثنا نیست. شعبه خیابان آکسفورد این کتابفروشی گزارش داده که درخواست برای جهد و مؤسزاداموس بالاست.



بیدار

۶۹ ساله ار نست همیڭوی، بر اثر حمله قلبی درگذشت. او نویسنده کتابی در باره پدرش به نام «ایپایا» حاضر دای شخصی» بود که در سال ۱۹۷۶ منتشر شد. وی درباره پدرش ار نست همیڭوی می‌گوید:

«مردی که من به خاطر می‌آورم: انسانی، مهربان، نجیب، با احساس‌ها و رفتارهای ساده و نیرومند به معنای وسیع کلمه و عذاب‌کشیده و رای تحملی بود. ما همیشه او را «ایپایا» صدا

می‌زدیم که نه از روی ترس بلکه از عشق بود.»

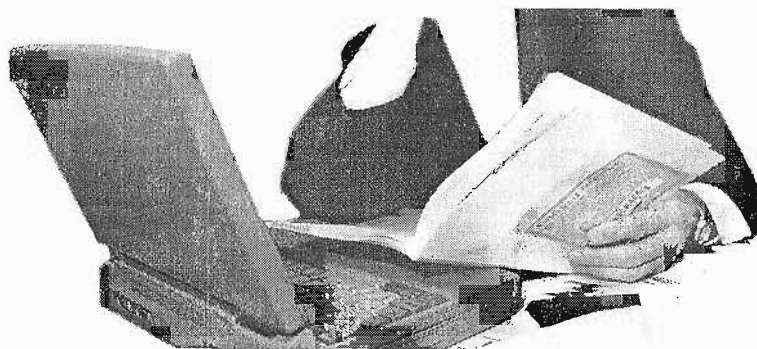
گرگوری همیڭوی در سال ۱۹۲۱ در کانزاس سیتی به دنیا آمد و یکی از سه فرزند از همسر دوم همیڭوی است. او به همراه پدر و مادر و دو برادرش زمانی طولانی را در فلوریدای جنوبی گذراندند و هنگام مرگ در کوکونات‌گروو در خانه‌ای به نام کاسا همیڭوی زندگی می‌کرد. یادآور می‌شود که خانواده همیڭوی - همگی - تاریخ زندگی عم‌نگیزی داشتند. ار نست همیڭوی که در سال ۱۹۶۱ خودکشی کرد و پدر، خواهر، برادر و نوه دختر، همگی خود به زندگی‌شان خاتمه دادند.

□ □ □

پرواز نویسنده

«پرواز بر فراز آشیانه فاخته»

شاید کسانی که فیلم «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» را دیده‌اند، از نویسنده کتاب آن، «کن کیسی» و سرگذشت زندگی پر شو و شورش زیاد خبر ندارند. او که روز سنبه دهم نوامبر، زندگی را بدرود گفت، بیش از ۶۶ سال نداشت. فیلمی که در سال ۱۹۷۶ با بازی جک نیکلسون از همین کتاب تهیه شد، چهار جایزه اسکار را برای بهترین فیلم، بهترین کارگردان، بهترین هنرپیشه مرد و بهترین هنرپیشه زن درو کرد و نویسنده را نیز به شهرت جهانی رساند. البته شخصیت اصلی داستان به نام جیف برومبن، سرخ‌پوست شیروقرنی را از فیلم حذف کرده بودند و کیسی از این بابت ناخشنود بود. کیسی در سال ۱۹۳۵ در مزارع کلورادو و



□ □ □

ترجمه کامپیوتری باز به انسان نیاز دارد

کامپیوترها می‌توانند مسائل ریاضی را در یک بیلیونیم ثانیه حل کنند. آنها می‌توانند انفجارها را شبیه‌سازی کنند، نقشه ژن انسان‌ها را بکشند و هوای مناطق مختلف دنیا را تا چند روز بعد پیش‌بینی کنند، اما هنوز نمی‌توانند شعر و ادبیات را ترجمه کنند. شما به قوی‌ترین نرم‌افزار ترجمه‌ای که اکنون در دنیا وجود دارد یک مصرع شعر بدهید، آن وقت متوجه خواهید شد که ترجمه ماشینی چقدر خنده‌دار از آب (که بیخشید از کامپیوتر) در می‌آید.

به همین دلیل، دست‌اندرکاران ترجمه اینترنتی یا ترجمه زبان‌های خارجی، آن را آخرین مانع جهانی شدن خوانده‌اند. مشکل اینجاست که صحبت انسان متنی است و دارای معماها و ابهام‌های بسیار، و کامپیوترها هنوز از این ابهام‌ها و معماها سر در نمی‌آورند و آنها را بر اساس منطقی خودشان ارائه می‌کنند.

زبان کامپیوتر و کد کامپیوتر به آسانی ترجمه می‌شود، زیرا ماشین‌ها می‌توانند به خوبی زبان یکدیگر را ترجمه کنند، اما بسیار مشکل است که به یک کامپیوتر «منطق محلی» را بیاموزیم.

□ □ □

مرگ جوان‌ترین فرزند ار نست همیڭوی

گرگوری همیڭوی، جوان‌ترین فرزند



ارژن بزرگ سد. در دانشگاه ارگن، هم گستی می‌گرفت و هم تئاتر بازی می‌کرد. در سال ۱۹۵۹ زندگی‌اش وارد مرحله‌ای فاجعه‌آمیز شد، چرا که داوطلبانه در آزمایش مواد مخدری شرکت کرد که آدم را دچار اوهام و هذیان می‌کند. در پایان آزمایش‌ها به کار در آسایشگاه نظامی بیماران روانی در کالیفرنیا مشغول شد. در همان جا بود که احساس کرد بیماران واقعاً دیوانه نیستند، بلکه بیش از اندازه‌ای که جامعه مایل بود بپذیرد، دچار فردگرایی شده‌اند. می‌گویند بخشی از رمان «پرواز بر فراز آشیانه خاخته» (۱۹۶۲) هنرگامی نوشته شده که نویسنده تحت تأثیر مواد مخدر (آل اس دی و پیوت - چیزی شبیه تنگ) بوده است.

منتقدان معتقدند که این کتاب بیشتر بر جامعه آمریکا تأثیر گذاشته تا جامعه بر کیسی، و از زمان انتشار تاکنون خوانندگان فراوانی در آمریکا داشته؛ به ویژه در میان دانشجویان کالج‌ها و دانشگاه‌ها، که همواره از آن به نام ساهکار یاد کرده‌اند.

پاتولین کیلی، منتقد فیلم در باره کتاب کیسی گفته است: «این کتاب مقدم بر آشننگی دانشگاه، ویتنام و مواد مخدر، ضد فرهنگ است. با این حال در برگیرنده جوهر پیشگویی کننده تمامی آن دوره سیاست‌های انقلابی است که به مواد مخدر روانی ختم می‌شد و...»

از گفته‌های اوست:

● من معتقدم وسایل ارتباطی، شیوه‌ای دارد که مردمی شبیه مرا در جعبه‌های معینی می‌گذارد، که این‌طور صحبت کنید و زمانی که شما را داخل چنین جعبه‌ای گذاشتند، دیگر برای همیشه از آن بیرون آمدن خیلی مشکل است.

● صبح که بلند می‌شوم، همیشه احساس رمان نوشتن ندارم.

● شهرت برای یک نویسنده خوب نیست. وقتی مشهور می‌شوی، دیگر خوب نمی‌توانی مشاهده کنی.

● من فقط می‌خواهم کاریکنم که ارژن را برای تمامی بچه‌هایمان جای خوبی نگه دارم. نمی‌خواهم که کنستراها و جنگل‌ها نابود شوند. نمی‌خواهم همه بیگانمان در بزرگراه‌ها کشته شوند. نمی‌خواهم مردم در حال رانندگی که از اینجا عبور می‌کند به صندوق پستی من شلیک کنند.

□ □ □

آثار دیگر کن کیسی



در سال ۱۹۶۴ کتاب «گنگاه نظریه‌ای بزرگ» که از توانم‌های عاشقانه گرفته شده به اسم «گنگاه نظریه‌ای بزرگ به نظر می‌رسد» که در رودخانه می‌پرد و غرق می‌شود»، منتشر شد. این داستان سرگذشت دو جوهربر مستقل در شهر کوچکی است که اتحادیه کارگری دست بالا را دارد. این کتاب از نظر تجاری به سطح «پرواز بر فراز آشیانه خاخته» نرسید، ولی با اقبال زیادی روبه‌رو شد و بررسی‌ها و نقدهای بسیاری درباره‌اش نوشتند. فیلمی نیز از آن ساخته شد که هنری فوندا و پل نیومن نقش‌های اول آن را داشتند.

بیست و هشت سال بعد کتاب «آواز عنوان» (۱۹۹۲) سومین و آخرین کتابش از چاپ درآمد که مجموعه بزرگی است از مقاله، شعر، نامه، داستان‌های کودکان، مقاله برای مجله‌ها و رمان کوتاه.

کتاب «حجه شیطان» که مجموعه‌ای از تعدادی مقاله است، از این کیسی است. کیسی در دهه ۱۹۸۰ در دانشگاه ارژن تدریس می‌کرد.

در سال ۱۹۶۷ با قانون درگیری پیدا کرد و به محکوم فرار کرد. بعد به چند ماه زندان در کالیفرنیا محکوم شد و پس از زندان مزرعه‌ای در ارژن خرید و در همان جا اقامت گزید که ناگهان در دهم ماه نوامبر مرگ او را در برود.

□ □ □

جاودانگی در برزیل

هرچند مردم برزیل آن چنان عاشق مطالعه نیستند، اما نسبت به شخصیت‌های ادبی، علمی، فرهنگی، ورزشی و حتی پزشکی که به مقام جاودانگی می‌رسند، احترام زیادی قائل هستند. قضیه از این قرار است که ۱۰۴ سال پیش در پایتخت این کشور، یک آکادمی تأسیس شد با عضویت ۴۰ نفر از افرادی که بر تلفظ، صحبت و نوشتن زبان پرتغالی نظارت می‌کنند. اعضای این آکادمی لقب «جاودانگی» دارند و هرگاه یکی از آنها زندگی را بدرود می‌گوید، برای انتخاب جاودان دیگری اقدام می‌کنند. این کار را همین اعضای آکادمی انجام می‌دهند.

ژواو ژوبالدو ریبریو (João Ubaldo Rubião) نویسنده داستان‌های «سروان گتولیو» و «لخند سوسمار» تعریف کرده که صبح روز بعد از انتخابش به عضویت آکادمی در سال ۱۹۳۳، گروهی از رفتگران که او را می‌دیدند فریاد می‌زدند: «سلام به جاودان!» تارسیسیو پادیلها (Tarcisio Padilha) رئیس آکادمی هم گفته: «اغلب رانندگانی که او را به آکادمی می‌رسانند و او را می‌شناسند از دریافت کربانه خودداری می‌کنند.»

ژرزه آمادو که برای خوانندگان ایرانی نویسنده‌ای آشناس و کتاب مشهورش به نام «کاپریلی، بیخک و داز چین» به فارسی ترجمه شده است.



می‌گویند که گرداننده اصلی آکادمی، ثروتمندان و صاحبان آسمان خراشها هستند که آکادمی را تحت نفوذ خود دارند، چون منابع مالی آن را از نظر هزینه‌های جاری و پرداخت جوایز ادبی تأمین می‌کنند.

فسرناوندو ژرزه، نویسنده کتاب «آکادمی یونیورم‌ها و اعتناش» گفته است: «آکادمی گاو مقدسی است که همیشه به قدرت سیاسی و اقتصادی سر تعظیم فرو می‌آورد. برای

نمونه، در بیست سال اخیر دیکتاتوری نظامی هرگز برای یک بار هم در برابر سانسور خودسرانه حکومت که بر کتاب‌ها و آزادی بیان اعمال می‌شد، لب به اعتراض نگشودند. آن قدر ساکت ماندند تا مورد الطاف نظامیان قرار گیرند.»

به هر حال اگر بیوه آمادو موفق شود که به عضویت آکادمی درآید، تنها پنجمین بانویی است که به این موفقیت دست یافته است. ■

از اعضای جاودان این آکادمی بود که در هفته مآبوت سال جاری، زندگی را بدرود گفت و اکنون برای انتخاب جانشین او بین چند نویسنده و به ویژه همسر آمادو بحث و جدل بسیاری درگرفته است.

پائولو کوئیلو نویسنده کتاب «کیاگر» و کتاب‌های پرفروش دیگر در این باره می‌گوید: «آکادمی همواره ترتیبی داده تا فضای سری خود را تا نقطه‌ای محفوظ نگه دارد که آتش بحث پرشوری را درباره نامزدها روشن نگه دارد. آکادمی جایی برای بحث و جدل روشنفکران با گرایش‌های متفاوت است و همین، محیط و گروه را جالب می‌سازد.»

برای بسیاری - چه در خارج و داخل آکادمی - آقای کوئیلو به نظر انتخاب منطقی برای موفقیت به جای آمادو به نظر می‌رسد.

طبق آماري که در فرانسه به دست آمده، آقای کوئیلو ۵۴ ساله، دوین نویسنده مشهور دنياست که کتابهایش به ۵۶ زبان در ۱۵۵ کشور ترجمه شده و فروش آنها از کتابهای جان گربشام سبقت گرفته است. ارنالدو نیکسی بر عهده آکادمی و رئیس سابق آن در این باره گفته: «پائولو کوئیلو نویسنده‌ای است که مقبولیت جهانی یافته، او پله ادبیات برزیل است و در شناساندن برزیل به دنیای خارج به همه ما خدمت کرده و باید جایی برای او بازکنیم.» در مقابل، فلیدا پینون داستان‌نویس و رئیس اسبق آکادمی گفته که، «با به بازار نمی‌توانیم اجازه دهیم زیبایی‌شناسی را به ما دیده کند.»

از کسان دیگری که مدعی عضویت آکادمی و لقب جاودانگی است،

خانم زلیاگاتای - بیوه آمادو

- و نویسنده بیس از دهها

کتاب است. او عنوان کرده

که در برابر تلفن‌ها، نامه‌ها

و نامه‌ها که برایش

می‌فرستند، خود را شایسته

جانشینی شوهرش می‌داند.

اما شاعر برزیلی، لدو ایوو

گفته که حسدلی جاودانگی

در آکادمی موروثی نیست

که با مرگ یک عضو به

وارثش برسد.

خود آکادمی نیز همواره

در معرض انتقادهای شدید

قرار داشته است. منتقدان

